

## مساله عمر حضرت حجت(عج)



بسیاری از افراد وقتی موضوع حضرت حجت پیش می‌آید می‌گویند: «آیا يك بشر حدود هزار و ویست سال عمر کند؟! این بر خلاف قانون طبیعت است.» اینها خیال کرده‌اند که سایر اموری که در همین دنیا واقع شده است، با قوانین عادی طبیعت-یعنی آن قوانینی که علم امروز بشر می‌شناسد-صد در صد سازگار است. اصلا تمام تحولات بزرگی که در تاریخ حیات و زندگی عموم موجودات زنده-از گیاه و حیوان-پیش آمده تحولات غیر عادی است. آیا اولین نطفه حیات که روی زمین بسته شده، مطابق اصول علوم زیستی است؟

بسیاری از افراد وقتی موضوع حضرت حجت پیش می‌آید می‌گویند: «آیا يك بشر حدود هزار و ویست سال عمر کند؟! این بر خلاف قانون طبیعت است.» اینها خیال کرده‌اند که سایر اموری که در همین دنیا واقع شده است، با قوانین عادی طبیعت-یعنی آن قوانینی که علم امروز بشر می‌شناسد-صد در صد سازگار است. اصلا تمام تحولات بزرگی که در تاریخ حیات و زندگی عموم موجودات زنده-از گیاه و حیوان-پیش آمده تحولات غیر عادی است. آیا اولین نطفه حیات که روی زمین بسته شده، مطابق اصول علوم زیستی است؟! اولین بار که حیات در روی زمین پیدا شد با کدام قانون طبیعی جور در می‌آید؟ مطابق فرضیه‌های علمی‌ای که امروز هست و از نظر علم امروز مسلم است که در حدود چهل میلیارد سال از عمر زمین می‌گذرد. در میلیاردها سال پیش این زمین ما يك کره گداخته بوده که محال و ممتنع بوده است که جاننداری بتواند روی آن زندگی کند. طبق تخمینهای علمی میلیاردها سال گذشته است تا اولین جاندار در روی زمین پیدا شده است. علم امروز هم می‌گوید جاندار همیشه از جاندار پیدا می‌شود، و نمی‌تواند نشان بدهد که جاننداری از غیر جاندار پیدا بشود. علم هنوز نتوانسته جواب بدهد که آن اولین جاندار که در روی زمین پیدا شد، یعنی آن اولین تحول بزرگ، آن نطفه اول حیات که روی زمین بسته شد چگونه بسته شد؟ بعد می‌گویند: اولین نطفه حیات و اولین سلول که پیدا می‌شود، تکامل پیدا می‌کند، به يك مرحله‌ای که می‌رسد دو شاخه می‌شود: شاخه نباتی و شاخه حیوانی. شاخه نباتی با يك مشخصاتی، و شاخه حیوانی با مشخصات دیگری، که در بعضی قسمتها ضد یکدیگر و مکمل یکدیگرند، و این عجیب است: اگر گیاه نباشد حیوان نیست و اگر حیوان نباشد گیاه نیست، مخصوصا از جنبه گرفتن و پس دادن گازهایی که در فضا وجود دارد. علم هنوز نتوانسته این را بیان کند که این مرحله-که باز يك تحول بزرگی در حیات و زندگی پیدا می‌شود-چگونه رخ می‌دهد؟ چطور شد شاخه نبات پیدا شد، چطور شد شاخه حیوان پیدا شد؟ و همچنین مراحل دیگر در پیدایش خود انسان، پیدایش موجودی با این قدرت، با این عقل و فکر و اراده و اختیار. مگر هنوز علم نتوانسته این را توجیه کند؟! مگر خود وحی يك امر عادی است؟! مگر خود وحی که يك بشری برسد به حدی که دستور از ما وراء طبیعت بگیرد، کمتر است از مساله زنده بودن يك نفر هزار و سیصد سال؟ اصلا این يك امر عادی و طبیعی است، يك چیزی است که بشر، اکنون دارد دنبالش می‌رود و شاید قانون طبیعی هم داشته باشد. بشرهای امروز دنبال این می‌روند که يك وسائلی درست کنند-با يك دواهایی، با يك فرمولهایی-که عمر بشر را افزایش دهند. کسی نمی‌تواند بگوید که قانون طبیعت این است که بشر، صد سال یا پنجاه سال یا دوپست سال یا پانصد سال عمر کند. درست است که سلولهای بدن انسان يك دوره حیاتی دارد، ولی این در شرایط محدود است. شاید روزی کشفی بشود که با يك وسیله بسیار كوچك عمر بشر را تا پانصد سال یا بیشتر تطویل کنند.

این يك امری نیست که انسان بخواهد در آن شك کند. این عادی‌ترین مسائلی است که در دنیای حیات رخ داده است. همیشه خدای متعال نشان داده است که وقتی وضع دنیا به يك مرحله‌ای می‌رسد، مثل اینکه دستی از غیب بیرون می‌آید، يك تحول ناگهانی رخ می‌دهد و يك وضعی پیش می‌آید که با قانون طبیعت اصلا قابل پیش بینی نیست. بنابراین، این موضوع، بحث ندارد که انسان بیاید درباره آن فکر کند یا العیاذ بالله دچار شك و تردید شود. دنیای دین برای همین است که چشم انسان را باز کند و فکر انسان را از محدودیت جریانهای عادی خارج کند.

در آن دوره-که عرض کردم دوره تکامل علم و عقل و اخلاق و اجتماع است-چه پیش می‌آید؟ قسمتی را به عنوان عرض می‌کنم.

مجموعه آثار جلد 18 صفحه 160

استاد شهید مرتضی مطهری